



## قوانینی که نمی‌توانند روابط زوجین را روانسازی و تنظیم کنند!

از روزی که بخت و اقبال مهریه با سکه و بالا و پایین شدنش گره خورد، این حق و حقوق شرعی و اثبات عشق و علاقه مرد به زن به چالشی جدی تبدیل شد ...

از روزی که بخت و اقبال مهریه با سکه و بالا و پایین شدنش گره خورد، این حق و حقوق شرعی و اثبات عشق و علاقه مرد به زن به چالشی جدی تبدیل شد تا جایی که رفته رفته بالا رفتن آمار دامادهایی که به واسطه مهریه عروسشان پشت میله های زندان قرار گرفتند، بالا و بالاتر رفت و قانونگذاران و مجریان قانون را به فکر اصلاح قانون مهریه انداخت و نمایندگان مردم در خانه ملت دست به کار شده و برای پیگیری قضائی مهریه سقف ۱۱۰ سکه را تعیین کردند.

به گزارش «تابناک»؛ این اما پایان ماجرا نبود و رشد سرسام آور قیمت سکه و طلا و بالا و بالاتر رفتن آن همچنان ادامه یافت. آخرین اقدامات برای نجات مردان از زندان مهر همسرانشان بخشنامه قوه قضائیه برای ممانعت از زندانی شدن مردانی است که توان مالی پرداخت مهریه را ندارند. حالا اما مجلسی ها دست به کار شده اند تا قانون مهریه را اصلاح کنند. این اصلاحیه دو ماده و ۴ تبصره دارد و بنا دارد، چالش مهریه را حل و فصل کند. اما پای صحبت حقوقدانان که بنشینید، انگار نمی توان برای اصلاح معضل مهریه چندان به این اصلاحیه دلخوش بود.

۴۷ نماینده مجلس امضایشان پای طرح جدید اصلاح قانون مهریه نهشته است. توجیه ارائه این طرح از سوی مجلس نوسان شدیدی است که اخیراً در خصوص قیمت سکه و طلا رخ داده و موجب شده برخی از محکوم علیهمی که مأخذ تقسیط دین آنها سکه طلا بوده &ndash؛ مانند محکومان پرداخت مهریه &ndash؛ در پرداخت اقساط دین خود دچار مشکل شده اند.

با توجه به اینکه عدم پرداخت اقساط محکوم به موجب حبس محکوم علیه میشود، این اشخاص مجبور به طرح دعاوی تعدیل اقساط محکوم به خواهند بود. نظر به اینکه این دعوا خارج از نوبت رسیدگی نمیشود و نیز در شرایط اقتصادی کنونی امکان طرح انبوهی از دعاوی تعدیل محکوم به وجود دارد، این امر علاوه بر ایجاد مشکل برای قوه قضائیه موجب بروز مشکل برای محکومان مالی میشود.

طرحی در راستای حل مشکل مذکور که در آینده نیز امکان بروز آن وجود دارد تدوین شده است؛ اما آیا این طرح می تواند ابرچالش مهریه را برای همیشه حل و فصل کرده و در عین حال حق و حقوق زن و مرد را محقق کند و در نگاه کلان به حفظ و انسجام ساختار خانواده کمک کند؟

قوانینی که نمی توانند روابط زوجین را روانسازی و تنظیم کنند!

تبصره ای که تحصیل حاصل است

حسن تردست وکیل دادگستری در گفتگو با «حامی عدالت» معتقد است، طرح مجلس برای اصلاح قانون مهریه در نگاه نخست متنی بسیار گنگ که ادبیات حقوقی در آن رعایت نشده است. به گفته وی، قانون برای مردم تنظیم می شود، بنابراین مفاد آن از نظر دلالت و تفهیم باید روان و روشن باشد، اما این قانون برای عوام بسیار ثقیل و گنگ است.

این کارشناس حقوقی با اشاره به تبصره یک ماده یک این طرح که می گوید، «در مواردی که مدیون در عوض دین، مالی دریافت یا تحصیل نکرده باشد، مانند دبه، مهریه و خسارات ناشی از جرائم غیرعمد، حبس نمیشود مگر آنکه ملائت وی اثبات گردد». همچنین تصریح می کند: تبصره یک ماده یک این طرح تحصیل حاصل است. بدین معنا که قبلاً هم در قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی و آیین نامه آن داریم که اگر مدیون مالی نداشته باشد و ادعای اعسار کند، حبس نمی شود، مگر آنکه ملائت وی اثبات و دادخواست اعسارش رد شود؛ بنابراین این تبصره زائد به نظر می رسد، چون با همان قانون هم این معنا عدم حبس افاده می کند.»

ماده ای خطرناک برای کیان خانواده

طبق تبصره ۴ این طرح عدم امکان وصول کل مهریه میتواند به تشخیص قاضی، از مصادیق عسر و حرج مذکور در تبصره ماده (۱۱۳۰) قانون مدنی مصوب ۸/ ۸/ ۱۳۱۴ با اصلاحات و الحاقات بعدی آن باشد. تردست در تحلیل حقوقی خود از این تبصره، آن را

تبصره ای خطرناک برای خانواده توصیف می کند و می گوید: اما در رابطه با این تبصره ای که مجلس در اصلاح قانون مهریه آورده که اگر مرد نتوانست تمام مهریه را با مطالبه پرداخت کند از مصادیق عسر و حرج محسوب است به نظر من این ماده فوق العاده خطرناک و آتشی است که موجب تلاشی خانواده ها می شود و افروختن آتش در روابط زن و شوهر است. طبق این تبصره اگر همان روزی که عقدنکاح در دفتر ثبت ازدواج رسمی شد و بلافاصله در همین لحظه عروس خانم مهریه اش را مطالبه کند و داماد نتواند کل مهریه را پرداخت کند عسر و حرج محسوب شده اختیار طلاق برایش از لحظه اولیه زندگی فراهم میشود و می تواند طلاق بگیرد.

به گفته وی طبق آنچه در تبصره ۴ این قانون قید شده درست شبیه زمانی که مرد معتاد و مرتکب جرمی با مجازات زندان شود لذا عدم امکان پرداخت کل مهریه، از جمله مواردی است که زن حق طلاق دارد، اینجا هم از روز اول اختیار طلاق بین مرد و زن تقسیم می شود و بر کفه زن سنگین می شود. تردست تصریح می کند: این که ما حق طلاق را با این کیفیت به زن بدهیم از مصادیق عدالت بین زن و مرد نیست و به معنی آتش ریختن در زندگی زناشویی است.

تردست با اشاره به اینکه در گذشته این همه مهریه های سنگین نداشتیم و این مهریه های سنگین خود از عوامل روانی بروز اختلاف در زندگی زناشویی شده است، می افزاید: اگر قوه قضائیه بتواند در یک پژوهش از دادخواست هایی که در دادگاه مطرح می شود یک فراوانی آمار بگیرد خواهید دید که خیلی وقتها اختلافات زن و شوهرها با موضوع دعوای مهریه در یک کشاکش روحی و روانی تشدید و بحرانی می شود. به طور مثال زن و مردی با هم اختلاف پیدا می کنند، اینجا زن احساس می کند که مهریه ای دارد که با قیمت سکه سر به میلیارد گذاشته است و می تواند آن را ابزار قدرت نمایی در مقابل مرد کند و این شروع یک بحران در روابط زن و مرد است، زیرا از سوی دیگر مرد هم با دیدن این وضعیت موضع دفاعی می گیرد. بنابراین به نظر می رسد در حوزه مهریه، فقها باید وارد شوند و با استفاده از نظرات کارشناسان خانواده، جامعه شناس و حقوقدان و خاصه قضات مجرب در امور خانواده این موضوع مهریه را به یک سرانجامی برسانند تا این مسئله بین زن و مرد به عنوان یک چکش در اختلافات زناشویی قرار نگیرد.

از نگاه تردست در بحث چالش برانگیز شدن مهریه، ما در یک منظومه دچار معضل هستیم و این گونه نیست که بتوان موضوع مهریه و ارتباط بین زوج و زوجه را که یک معضل فردی و اجتماعی ایجاد کرده و می کند، با قدرت ماده و قانون حل کنیم چراکه مسئله بحرانی شدن روابط بین زن و مرد و تلاش بنای یک خانواده دارای توابع زیادی است و بی تردید ناهنجاری های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و حتی معتقدم چالش های سیاسی بر روی آن تاثیرگذار است.

وی تصریح می کند: متأسفانه الان مهریه ابزاری شده تا زن به مرد فشار بیاورد و او را بازداشت کند یا مرد برای عدم همراهی یا در فشار قرار دادن زن، با پرداخت نکردن عمدی مهریه که یک تکلیف شرعی و قانونی است به مقابله برمی خیزد که از موجبات حجم سنگین پرونده های ورودی به دستگاه عدلیه است. ما در یک منظومه اجتماعی گیر کرده ایم و فقهای معظم باید مسئله مهریه را حل کنند و با توجه به شرایط کنونی ببینند که آیا می شود مهریه را با قانون محدود کرد و مثلاً گفت بیش از ۱۱۰ سکه نمی تواند برای عقد مهریه قرار داد؟ البته شاید گفته شود که این امر با اصول اختیار طرفین در وضع قرارداد یا عقد مغایرت دارد!

سوابق قوانینی که نتوانست معضل مهریه را حل کند

این وکیل و قاضی بازنشسته با طرح این سوال که امضا کنندگان این طرح چقدر از مبانی فقهی و جامعه شناسی و حقوقی و شرایط جامعه ای در آن زندگی می کنیم اطلاع دارند، می افزاید: به نظر می رسد آقایانی که این متن را تنظیم کرده اند دانش و توانایی وضع یک ماده حقوقی در مدیریت و یا حل ناهنجاری رابطه بین زن و مرد در اختلافات زناشویی را ندارند چراکه متن این طرح نشان میدهد که از جهت ادبیات حقوقی و آشنایی با اسباب و علل و نقش مهریه در اختلافات پیش گفته در رنج است.

تردست تصریح می کند: فلسفه وضع قوانین در جوامع بشری، برای تنظیم روابط و ارتباطات بین اشخاص و جلوگیری از اختلافات است. چه رابطه دو شهروند و چه رابطه زن و مرد به عنوان زن و شوهر. اصولاً مواد قانونی باید به روانسازی روابط کمک کند نه اینکه خودش معضلاتی را اضافه کند.

وی با اشاره به سابقه طرح ها و قوانینی که می خواهد معضل مهریه را حل کند، می افزاید: در حال حاضر می خواهند معضل مهریه را حل کنند تا مردان به راحتی به زندان نروند. در این راستا در گذشته عندالاستطائه بودن مهریه را مطرح کردند و این خود بار پرونده های زیادی را به نظام قضائی کشور تحمیل کرد و دادگاه های زیادی به منظور تشخیص استطاعت زوج تشکیل می شود و ترفند های بیشماری برای اثبات عدم استطاعت طرح می شود که موجب اطالة رسیدگی و تورم آمار موجودی پرونده ها گردیده است لذا درباره این طرح جدید مجلس هم بنده معتقدم با توجه به شرایط و مختصات فرهنگی و اقتصادی کنونی که در آن قرار داریم این طرح نه تنها کمکی به حل این معضل نخواهد کرد، بلکه بجد به روابط زن و مرد آسیب خواهد رساند.

رها شدن زنان مطلقه ای که نمی توانند مهریه شان را استیفا کنند

یکی از انتقاداتی که به این طرح وارد می شود آن است که طرح مجلس برای اصلاح قانون مهریه تعهدات مرد برای پرداخت مهریه را به طور کامل از بین می برد و حتی اثبات ملأئت مرد را هم به عهده زن می گذارد. تردست در پاسخ به این انتقادات می گوید: این در تمام دادگاه های قضائی دنیا یک رویه است که مدعی باید دلیل بیاورد. وقتی طرف مقابل ادعا می کند من ندارم مهریه را بدهم، مدعی باید دارایی وی را اثبات کند و نمی توانیم بگوییم شخص خواننده دلیل بیاورد که ندارد. اما درباره این ایرادی که تعدیل را به عهده قاضی گذاشته و رئیس قوه نسبت به تورم تعیین تعدیل کند، این نکته را باید مد نظر قرار داد که با توجه به اینکه مبنای مهریه ها اغلب سکه است اگر مستمسک ما این باشد که قیمت سکه بالا می رود، باید توجه داشته باشیم که به همان نسبت هزینه های زندگی هم بالا می رود. در واقع تقسیط مهریه به نفع مرد است اما موارد زیادی را هم داشتیم که زنانی در شرایط سخت و تنگنا بوده اند و مرد بی دلیل موجه همسرش را که زنی تنها بدون پدر و یا سرپرست بوده طلاق داده است و این زن بدون هیچ پشتوانه ای به حال خود رها می شود.

بنا به تاکید این قاضی بازنشسته، درصد بالایی از زنانی که مرتکب خلاف می شوند و برای تامین زندگی شان به فحشا روی می آورند مطلقه هستند. زنانی که در این جامعه با این وضعیت اقتصادی رها شده اند، در حالی که خیلی وقتها فرزندی هم دارند، رها می شوند. من این مسائل را در صحنه و در پرونده های قضائی دیده ام. ۷۰ یا ۷۵ درصد زنانی که به این راه کشیده شده اند مطلقه هستند و این نشان می دهد این زنان پس از طلاق نتوانسته اند زندگی شان را تامین کنند.

از نگاه وی، اگر بناست یک اقدام اصولی و منطقی در رابطه با مهریه اتفاق بیفتد، باید مانند بسیاری از کشورهای دنیا حکومت عهده دار زندگی بانویی باشد که بعد از طلاق بحق، نتوانسته مهریه اش را استیفا کند و نمی تواند از پس زندگی اش بر بیاید.

قوانینی که نمی توانند روابط را روانسازی و تنظیم کنند!

تردست نگاه حقوقی اش نسبت با طرح جدید مجلس برای اصلاح قانون مهریه را این گونه جمع بندی می کند: چنین قوانینی روابط را روانسازی، تنظیم و مدیریت نمی کند. همانطور که در ابتدای صحبت هم مطرح کردم در بحثهای کلاسیک و دانشگاهی می گویند قانون برای مدیریت روابط مردم با مردم، مردم با حکومت و حکومت با مردم است. برای تنظیم روابط بین مردم قانون باید در حل معضل واقعی همه جانبه و موثر باشد و با افزودن ربه کردن و مواد قانونی دردی از مردم دوا نمی شود. همانطور که با قانون عندالاستطاعه شدن پرداخت مهریه آمار بازداشتی های مهریه را پایین نیاورد. اداره جامعه یک منظومه است که اجزای مختلف دارد و ما اگر موضوعات اقتصادی و فرهنگی را حل نکنیم نمی توانیم روابط بین زن و مرد و بسیاری از معضلات دیگر را در روابط اجتماعی و فردی حل کنیم و باید با نگاه همه جانبه و چند بعدی تصمیم گرفت و عمل کرد در غیر این صورت معضلات قابل حل نخواهند بود.